



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۰۱

نویسنده: ن . جلیل زاد

نهضت امانی شکست نخورد ، فقط متوقف شد

امان الله غازی، قهرمانی که ارزش قهرمانی را نابود نکرد، بلکه تعریف کرد، ملتی که باید دوباره برخیزد. قهرمان واقعی کسی است که ملت را از خودش بزرگ تر می بیند. در تاریخ ملت ها لحظه هایی وجود دارد که نه تنها مسیر آینده را تعیین می کنند، بلکه روح جمعی یک قوم را شکل می دهند .

برای افغانستان، یکی از آن لحظه های سرنوشت ساز، دوران شاه امان الله خان است، مردی که نه تنها برای استقلال جنگید، بلکه برای آزادی اندیشه، عزت انسان، و رهایی از زنجیرهای جهل و عقب ماندگی قیام کرد. او تنها یک پادشاه نبود، او یک نهضت بود، یک افق بود، یک جرأت تاریخی بود که می خواست ملت را از قرون تاریک به روشنایی قرن بیستم پرتاب کند. اما تراژدی ملت هایی که قهرمانان واقعی دارند، این است که همیشه در میان شان کسانی پیدا می شوند که می خواهند بدون داشتن ظرفیت قهرمانی، جای قهرمان را بگیرند. اینان همان «شبه قهرمانان» اند، کسانی که نه توان دیدن آینده را دارند و نه جرأت شکستن زنجیرهای گذشته را. آنان از قهرمان واقعی می ترسند، زیرا قهرمان واقعی آینه ای است که ضعف، ترس و ناتوانی شان را برملا می سازد. پس طبیعی است که در برابر او بایستند، او را تخریب کنند، و ارزش قهرمانی را در ذهن مردم بی اعتبار سازند .

شاه امان الله خان قربانی همین پدیده شد، قربانی همان ذهنیت هایی که از آزادی می ترسند، از تغییر می هراسند، و از رشد ملت احساس خطر می کنند. اما تاریخ، هر چند گاهی دیر، حقیقت را آشکار می سازد. امروز، پس از یک قرن، نام امان الله خان غازی نه تنها خاموش نشده، بلکه روشن تر از همیشه می درخشد. زیرا حقیقت را می توان موقتاً پنهان کرد، اما نمی توان آن را نابود ساخت. امان الله قهرمان استقلال، نهضت و آگاهی امان الله خان نخستین رهبر افغان بود که فهمید استقلال تنها بیرون کردن استعمار نیست ، استقلال یعنی آزادی فکر، آزادی زن، آزادی آموزش، آزادی قانون، آزادی اقتصاد، آزادی از قید سنت های فلج کننده. او می دانست که ملت بدون آگاهی، دوباره به زانو درمی آید، حتی اگر استعمارگر خارجی نباشد، استعمارگر داخلی پیدا می شود .

او می دانست که آزادی سیاسی بدون آزادی اجتماعی، آزادی ناقص است. او می دانست که ترقی بدون آموزش زنان، ناممکن است. او می دانست که عدالت بدون قانون مدرن، خیال است. او می دانست که ملت بدون صنعت، همیشه محتاج خواهد ماند. او می دانست که افغانستان بدون پیوند با جهان، منزوی و عقب مانده می شود.

این فهم، برای زمان خود بسیار پیشرو بود، آن قدر پیشرو که جامعه ای سنت زده ای آن روز توان هضمش را نداشت. اما پیشرو بودن جرم نیست، پیشرو بودن رسالت قهرمانان است. جامعه شناسی سقوط یک نهضت نهضت امانی نه به خاطر ضعف فکری سقوط کرد، نه به خاطر بی برنامگی، نه به خاطر بی ریشگی. این نهضت به خاطر سه عامل سقوط کرد :

مقاومت ساختارهای سنتی جامعه ای که قرن ها در تاریکی زیسته بود، نمی توانست نور را یک باره تحمل کند. هر تحول بزرگی، دشمنان بزرگ می سازد. شبه قهرمانان و پهلوان پنبه ها کسانی که نه سواد داشتند، نه افق، نه برنامه، اما ادعای رهبری داشتند. آنان با عوام فریبی، احساسات مردم را علیه اصلاحات برانگیختند. دخالت بیگانگان قدرت های منطقه ای و جهانی نمی خواستند افغانستان مستقل، آزاد و مدرن شود. آنان از امان الله می ترسیدند، زیرا او افغانستان را از دایره نفوذشان بیرون می برد. این سه عامل، دست به دست هم دادند و نهضتی را که می توانست افغانستان را به یکی از کشورهای پیشرفته منطقه تبدیل کند، در نطفه خفه کردند .

اما نهضت امانی شکست نخورد ، فقط متوقف شد نهضت ها نمی میرند، فقط به خواب می روند. نهضت امانی هنوز در ذهن مردم زنده است. هنوز در آرزوهای جوانان زنده است. هنوز در حسرت های تاریخی ما زنده است. هنوز در هر بحثی که درباره آزادی، قانون، زن، آموزش، ترقی و استقلال می شود، روح امان الله حضور دارد. این نهضت با مردم بیگانه نبود، مردم با آن بیگانه شدند، زیرا شبه قهرمانان آنان را فریب دادند. امروز، پس از صد سال، مردم دوباره آماده اند. امروز، ملت دوباره تشنه ای آزادی است. امروز، جوانان دوباره به دنبال قهرمان واقعی اند. امروز،

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

تاریخ دوباره در همان نقطه ایستاده است، نقطه ای که امان‌الله از آن آغاز کرد. چرا باید نهضت امانی دوباره احیا شود؟ زیرا افغانستان هنوز همان دردها را دارد هنوز آزادی زن مسأله است هنوز قانون قربانی زور است هنوز آموزش محدود است هنوز اقتصاد وابسته است هنوز قبیله گرایی مانع ملت سازی است هنوز بیگانگان در سرنوشت ما دخالت می کنند هنوز شبه قهرمانان بر گرده مردم سوارند نهضت امانی نسخه ای برای امروز است، نه فقط برای دیروز.

امان‌الله، قهرمانی که ارزش قهرمانی را نابود نکرد، بلکه تعریف کرد او نشان داد که قهرمان واقعی به جای جنگ، به قانون تکیه می کند به جای تعصب، به انسانیت باور دارد به جای عقب ماندگی، به علم ایمان دارد به جای زن ستیزی، به زن باوری می رسد به جای وابستگی، استقلال می سازد به جای شعار، عمل می کند قهرمان واقعی کسی است که ملت را از خودش بزرگ تر می بیند. دعوت به احیای نهضت امان احیای نهضت امانی یعنی:

احیای آزادی احیای قانون احیای آموزش احیای عزت زن احیای اقتصاد مستقل احیای هویت ملی احیای افغانستان ای که می خواهد در جهان سربلند باشد این نهضت نه سلطنت طلبی است، نه نوستالژی این نهضت یک برنامه ملی است، یک افق تمدنی است، یک ضرورت تاریخی است.

سخن پایانی ملت هایی که قهرمانان شان را فراموش می کنند، محکوم اند که دوباره زیر پای شبه قهرمانان لگدمال شوند. اما ملت هایی که قهرمانان شان را دوباره کشف می کنند، دوباره می توانند برخیزند. شاه امان‌الله خان نه یک خاطره است، نه یک مجسمه، نه یک فصل تاریخ، او یک راه است. راهی که نیمه تمام ماند، اما هنوز باز است. راهی که اگر دوباره پیموده شود، افغانستان را از تاریکی به روشنایی می برد نهضت امانی باید از همان نقطه ای که سقوط کرد، دوباره برخیزد، زیرا این نهضت از مردم بود، برای مردم بود، و آینده مردم را می خواست. و ملتی که آینده می خواهد، باید قهرمانان واقعی اش را دوباره زنده کند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد